

حکومت و جامعه در عصر پهلوی

www.ketab.ir

تألیف:

دکتر مهدی رهبری

(عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران)

انتشارات دانشگاه مازندران

۳۰۱

سرشناسه	: رهبری، مهدی، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: حکومت و جامعه در عصر پهلوی/تالیف مهدی رهبری.
مشخصات نشر	: پایلر: دانشگاه مازندران، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۴ ص.
فروست	: دانشگاه مازندران؛ ۳۰۱.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۷۱-۷۷-۲ -
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۴-۲۸۸.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- علل
شناسه افزوده	: دانشگاه مازندران
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۴۷۶/۹۸۸ ۱۳۸۹
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۲۱۶۵۷۳۴

- عنوان : حکومت و جامعه در عصر پهلوی
- مؤلف : دکتر مهدی رهبری
- ویراستار ادبی : دکتر رضا ستاری
- تاریخ انتشار : ۱۳۸۹
- ناشر : انتشارات دانشگاه مازندران
- نوبت چاپ : اول
- محل انتشار : پایلر
- تعداد صفحات : ۲۹۴
- نیراز : ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت : ۴۸۰۰۰ ریال
- حروف چینی و صفحه آرایی : امیر اسماعیلی
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی : مؤسسه چاپ نیما

«کلیه حقوق برای دانشگاه مازندران محفوظ است.»

پایلر: خیابان پاسداران، دانشگاه مازندران، حوزه معاونت پژوهشی، ص.پ. ۴۸۴

ISBN: 978-964-2571-77-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۷۱-۷۷-۲

فهرست مطالب

۷.....	آغاز سخن.....
۱۱.....	فصل اول: دوران فترت.....
۴۲.....	فصل دوم: دولت مطلقه.....
۱۵۳.....	فصل سوم: شبه دموکراسی.....
۱۸۷.....	فصل چهارم: دولت اقتدارگرای بوروکراتیک.....
۲۲۹.....	فصل پنجم: استبداد نفتی و رانتیرسم.....
۲۶۸.....	سخن آخر.....
۲۷۲.....	مآخذ.....

آغاز سخن

ایران زمانی وارد عصر جدید گردید که از هیچ گونه آمادگی در زمینه‌های عینی و ذهنی برخوردار نبوده است؛ لذا از همان ابتدا با مشکلات عمده‌ای در همه‌ی حوزه‌ها مواجه شد. ورود ایران به دوران جدید با مسأله‌ای مهم و سرنوشت ساز از درون مقارن بود و آن روی کار آمدن یکی از ناکارآمدترین سلسله‌های حکومتی یعنی قاجاریه است که نه تنها توان مواجهه و مقابله با تحولات و چالش‌های نوین را نداشته است، بلکه خود یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای بقا و پیشرفت کشور محسوب می‌شد. همزمانی این دو پیامد بزرگ برای ایران یعنی ورود تجدد و روی کار آمدن حکومت ناکارآمد قاجاریه، آن را در سراسر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم به یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بدل ساخت.

شکست‌های پی در پی خارجی و ظهور بحران‌های مختلف داخلی، سرانجام تعداد اندکی از نخبگان درون حکومت را به چاره اندیشی وا داشت. اصلاحات کوچک اما تأثیرگذار تعدادی از این نخبگان که در پی شکست‌های سنگین و وابستگی کشور به بیگانگان به وجود آمد، گرچه می‌توانست به رهایی و پیشرفت منجر گردد اما به علت مخالفت‌های داخلی و خارجی که منافع

مخالفان را به مخاطره می انداخت، به شکست انجامید که همین مسأله سبب تن دادن کشور به یکی از انقلاب های بزرگ جهان یعنی مشروطیت گردید.

انقلاب مشروطه که می توان از آن به انقلاب برای نوسازی و رهایی از عقب ماندگی و استثمار یاد کرد، آغاز تحولاتی شگرف در ایران بوده است. زمینی کردن قدرت و قداست زدایی از آن پس از هزاران سال و تأسیس نهادهای جدیدی چون مجلس قانون گذاری، هیأت وزیران و احزاب و گروه های سیاسی، برگزاری انتخابات و نخستین مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، برقراری مطبوعات آزاد، تدوین قانون اساسی و قوانین مدنی و ده ها تغییر دیگر، به عنوان پیامدهای نخستین انقلاب بزرگ مردمی در ایران عصر جدید، کشور را وارد دوره نوینی از تحولات تاریخی نمود که قبل از آن سابقه نداشت.

با این حال، انقلاب مشروطه که می توانست به دموکراسی و توسعه در کشور منجر گردد، گرچه در ابتدا امیدهای زیادی را در میان مردم، روحانیان، روشنفکران و سایر گروه ها و اصناف به وجود آورد، اما از آنجا که نخستین تجربه تاریخی به منظور مواجهه با دنیای جدید و رهایی از عقب ماندگی بوده است و بنابر علل متعدد داخلی و خارجی ناکام ماند. این انقلاب خود سرآغاز تحولاتی بزرگ تر در کشور بوده است، که به علت تفاسیر متعدد و متفاوت ناشی از ورود عناصر گوناگون و گاه متضاد فکری و منفعت جویانه از آن، در دوره های مختلف و به شکل های گوناگون ادامه یافت. اما آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، ورود رسمی کشور به مرحله ی جدیدی از تحول تاریخی تحت عنوان "دوره ی گذار" است که ویژگی های منحصر به خود را داراست و تا به امروز نیز ادامه دارد.

کشورهای مختلف برای ورود به عصر جدید و یا همان توسعه یافتگی، دوره ی گذار متفاوتی داشته اند. برخی چون کشور انگلستان این مرحله ی

تاریخی را با کم‌ترین چالش‌ها و از طریق همزیستی مسالمت‌آمیز میان سنت و مدرنیته طی نمودند، در حالی که کشورهایی چون فرانسه، چنین دوره‌ای را برای گذار از سنت به تجدد، از طریق انقلاب، خشونت و جنگ سپری ساختند. آنچه در ایران رخ نمود، بیشتر به مدل فرانسوی گذار شباهت داشته است که به انقلاب و دگرگونی‌های داخلی وسیعی چون تغییر حکومت‌ها انجامید.

انقلاب مشروطه پس از آن که در دستیابی به اهدافی که از قبل ترسیم نموده بود با ناکامی مواجه گردید، به دورانی از تحولات تاریخی در کشور انجامید که می‌توان از آن به عنوان "دوران فترت" یاد کرد که خود نخستین مرحله از دوران گذار است. دورانی که مهم‌ترین ویژگی‌های آن ناامنی‌های فراگیر، بی‌ثباتی‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی، جنگ‌های داخلی گسترده، تجزیه‌طلبی‌های قومی، مداخله همه‌جانبه بیگانگان در امور کشور و ... بوده است. این مسائل همراه با بحران‌های بین‌المللی چون جنگ جهانی اول و انقلاب کمونیستی در روسیه، دست در دست هم دادند تا با وخیم‌تر ساختن اوضاع داخلی و خارجی ایران، ضربه‌ای اساسی به کشور وارد نمایند.

از آنجا که سلسله قاجاریه به علت ناتوانی‌های تاریخی و سیاسی، توان مقابله با اوضاع نابسامان کشور را نداشت، در مسیر گرداب تحولات تاریخی به وجود آمده، جای خود را پس از سال‌های طولانی به حکومتی دیگر داد تا با هدف توسعه کشور و مقابله با بحران‌ها، آرمان‌های مشروطیت را تحقق بخشد. سلسله‌ی پهلوی که می‌توان از آن به ادامه‌ی انقلاب مشروطه در چهره‌ی دوم آن یعنی توسعه‌یافتگی [منهای دموکراسی] تعبیر نمود، خود محصول دوران گذار است. دورانی که هدف آن انتقال وضعیت کشور از سنت به مدرنیته است.

سرانجام با انقراض سلسله‌ی قاجاریه و روی کار آمدن سلسله‌ی پهلوی در سال ۱۳۰۴، کشور وارد دوره‌ی تاریخی جدیدی شد که از نظر شکل و ماهیت

با گذشته خود کاملاً متفاوت بود. حکومت پهلوی به عنوان نخستین دولت مدرن در ایران که توسعه‌ی اقتصادی را در سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار داد، در ۵۳ سال حکومت خود دارای شکل واحدی نبوده است. ایران در این دوره بنابر دلایل مختلف داخلی، چون اقدامات نوگرانه و دلایل خارجی، مانند ظهور نظام دو قطبی در عرصه‌ی بین‌الملل، تغییرات اساسی را به خود دیده است. به گونه‌ای که می‌توان سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ را دوران "دولت مطلقه"، از اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را "شبه دموکراسی"، سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ را دوره‌ی ظهور "دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک" و سرانجام سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را دوران "استبداد نفتی" یا "رانتیریزم" خواند. آنچه در این اثر با استفاده از روش‌های توصیفی - تبیینی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت، علاوه بر تحولات ایران در دوره‌ی پهلوی، چگونگی و علل تغییر شکل و عملکرد حکومت در سال‌های یاد شده است، دورانی که سرانجام با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش، به عنوان مرحله‌ی دیگری از دوران گذار، به پایان می‌رسد.